

# The Study of Efficient Manpower Indicators in the Life of Imam Masoom with an Emphasis on Economic and Political Health Measures

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

### Authors

Morteza Amiri<sup>1</sup>  
Mahboob Mahdavian<sup>2\*</sup>  
Hassan Mohammadi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Morteza Amiri, Mahboob Mahdavian, Hassan Mohammadi, The Study of Efficient Manpower Indicators in the Life of Imam Masoom with an Emphasis on Economic and Political Health Measures, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:6(4): 757-766.

1. PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: dr.m.mahdavian@gmail.com

### Article History

Received: 2022/11/11  
Accepted: 2023/01/17

## ABSTRACT

The efficiency of the agents of the Imamate organization is one of the important and essential factors for the realization of the goals of the Infallible Imams, peace be upon them, which is always the focus of thinkers in this area. The monotheistic view of the infallible imams (peace be upon them) required the structure of society management and its essential role in the formation of society's behavior and the material and spiritual fate of the people; Indicators should be considered in the selection and employment of human resources. This article deals with two indicators of economic and political health in a descriptive and analytical way from the perspective of the lives of the infallible imams, peace be upon them. The result of this mapping is that by considering the indicators of anti-corruption, trustworthiness, outsourcing, avoidance of worldliness, popularism, insight and political influence, it is possible to select efficient human resources of the Islamic administrative system.

**Keywords:** Human Power, Organization, Imamate, Efficiency, Imams.

## مطالعه شاخص های نیروی انسانی کارآمد در سیره

## امامان معصوم علیهم السلام با تاکید بر سنجه های

## سلامت اقتصادی و سیاسی

مرتضی امیری<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

محبوب مهدویان<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسئول).

حسن محمدی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

## چکیده

کارآمدی کارگزاران تشکیلات امامت از عوامل مهم و اساسی تحقق اهداف امامان معصوم علیهم السلام بوده که همواره مورد توجه متفکران این حوزه می باشد. نگاه توحیدی ائمه معصومین علیهم السلام به ساختار مدیریت جامعه و ایفای نقش اساسی آن در شکل گیری رفتار جامعه و سرنوشت مادی و معنوی مردم، ایجاب می کرد؛ در انتخاب و به کارگیری نیروی انسانی، شاخص هایی مدنظر قرار گیرد. این نوشتار به روش توصیفی و تحلیلی از منظر سیره امامان معصوم علیهم السلام به دو شاخص سلامت اقتصادی و سیاسی می پردازد که مجموعه های نیروی انسانی با عنایت به این ویژگی ها، می توانند برای سیستم خود سرمایه انسانی کارآمد انتخاب کنند. نتیجه حاصل از این نگاشت آن است که با ملاحظه شاخص های فساد ستیزی، امانتداری، استغناء، اجتناب از دنیاگرایی، مردمی بودن، بصیرت و اثرگذاری سیاسی می توان نیروی انسانی کارآمد طراز نظام اداری اسلامی انتخاب کرد.

**کلمات کلیدی:** نیروی انسانی، تشکیلات، امامت، کارآمدی، امامان (علیهم السلام).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

\* نویسنده مسئول: dr.m.mahdavian@gmail.com

## مقدمه

تشکیل جامعه اسلامی یکی از برنامه های اسلام در جهت شریعت های قبلی برای نیل به سعادت بشری است. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام همانند انبیا الهی پیشین در این مسیر گام برداشته اند. بدیهی است یکی از ارکان جوامع انسانی اسلامی، نیروی انسانی تاثیرگذار آن جامعه است؛ و تاریخ نشان می دهد که معصومان علیهم السلام در کنار تربیت عمومی جامعه توجه ویژه ای برای انتخاب و بکارگیری نیروی انسانی کارآمد برای بهره وری در حوزه های مختلف از جمله تبلیغ دینی، علمی، سیاسی، کارگزاری حکومتی و نظامی مبذول داشته اند. ساختن جامعه ای براساس قوانین کتاب الهی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نیازمند نیروهایی دارای سلامت نفس می باشد؛ تا بتوانند یاریگر ولی الهی در تحقق اصول اسلامی باشند. در سیره ائمه معصومین علیهم السلام کارگزاران حکومت، سنگ زیرین آسیای نظام بوده و امام به عنوان محور جامعه دانسته می شود. لذا وجود سلامت در نیروهای انسانی تشکیلات امامت برای کارآمدی آنان موضوعی اجتناب ناپذیر است.

دوره حیات ائمه ی معصومین علیهم السلام درعین اینکه بازه زمانی کوتاه حدود ۲۵۰ ساله را در بر می گیرد، ولی باتوجه به واقع شدن حوادث بسیار و به وجود آمدن شرایط مختلف در جامعه مسلمین در جغرافیای گسترده جهان اسلام، نیروهای امامان شامل افراد متعددی از بدنه جامعه و مربوط به طبقات مختلف آن دوران از جمله بزرگان و سرشناسان، افراد عادی، بردگان، آزادشدگان، عرب و عجم می شده و این نیروها دارای کارکردهای متفاوتی در حوزه هایی مانند تبلیغ دینی، علمی، اقتصادی و سیاسی بوده اند؛ شاخص های سلامت اقتصادی و سیاسی در کنار سایر سنجه ها که بصورت تخصصی قابلیت بررسی دارد، ملاکی مطمئن برای انتخاب و بکارگیری کارگزاران بوده است. اینکه نیروی انسانی در سیره امامان معصوم علیهم السلام از نظر شاخص های سلامت اقتصادی و سیاسی، دارای چه ویژگی هایی باشد تا بتوان بر مبنای آن بهترین ها و برترین ها را انتخاب نمود، از آسیب های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی احتمالی پیشگیری کرده و کارآمدی آنان محقق شود، موضوع این مقاله است.

با توجه به موضوع مقاله روش کار کتابخانه ای بوده و از ابزار فیش برای جمع آوری داده ها استفاده شده است. در گردآوری داده ها علاوه بر مراجعه به منابع تاریخی در اختیار و موجود در کتابخانه ها، از نرم افزارهای معتبر و علمی مراکز تخصصی مانند مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی؛ از جمله سیره معصومان، جغرافیای جهان اسلام، تراث و نورالسیره نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است.

## پیشینه

اغلب پژوهش های دارای قرابت با موضوع مقاله حاضر با محوریت دوران امام علی علیه السلام و محوریت نهج البلاغه انجام گرفته و برخی از تالیفات در قالب تک نگاره هایی مربوط به برخی از نیروهای خاص امامان معصوم علیهم السلام بوده است. در مقاله ای

اهتمام بوده است. چنانچه در منابع ذکر شده است، محمد بن اسماعیل<sup>۲</sup> طی نامه ای که به هارون خلیفه عباسی نوشته بود، چنین آورد که: تاکنون نشنیده بودم که در روی زمین دو خلیفه باشد که خراج نزد آنها برده شود<sup>۳</sup> (۱، ۲). که بلافاصله بعد از انتقال آن نامه، امام کاظم علیه السلام دستگیر و زندانی شد؛ و همین زندان تا شهادت آن حضرت به طول انجامید. در این سند می بینیم، محمد بن اسماعیل در عین حالیکه اموالی را در اختیار ندارد ولی با انتشار سوگیرانه اطلاعات اقتصادی امام، به منظور سعایت از ایشان علاوه بر ایجاد اختلال در فعالیت های اقتصادی امام، موجب زندانی شدن خود آن حضرت نیز گردیده است.

همانطور که عقل بشری حکم می کند نیروی انسانی تشکیلات امامت همانند دست وجودی این تشکیلات می بایست پاکی لازم را از تمام جهات از جمله جنبه امور مالی داشته باشد، تا بتواند منشاء خیر و طهارت در جامعه باشد؛ بررسی سیره امامان شیعه نیز موید این ضرورت می باشد. از آنجائیکه بخش قابل توجهی از نیروهای امامان به دارایی های عموم مردم یا اموال در اختیار امامان دسترسی داشته اند، لذا با مطالعه سیره ائمه معصومین علیهم السلام می بینیم که بر ویژگی سلامت اقتصادی نیروهای انسانی، همسان با مسئولیتی که عهده دار آن هستند؛ تأکید شده است. همچنین در خصوص سایر نیروهای انسانی، که به غیر از حوزه های مالی عهده دار مسئولیت هستند، ویژگی سلامت اقتصادی زمینه ساز اثرگذاری و کارآمدی می باشد. در اینجا وجوه مختلف سلامت اقتصادی را ذیل عنوان های فساد ستیزی، امانتداری، استغناء، اجتناب از دنیاگرایی و مردمی بودن مورد بررسی قرار می دهیم:

#### ۱. فساد ستیزی

مقطعی از تاریخ اسلام که شواهد زیادی از موضوع شاخص سلامت اقتصادی مورد ثبت واقع شده است؛ به دوره کوتاه حکومت امام علی علیه السلام مربوط می شود. تعاملات مالی زیادی مابین امام و کارگزاران مختلف در این خصوص وجود داشته که قابلیت بررسی دارد و ما در اینجا به سه نمونه از آنها می پردازیم:

اول: در پی وصول گزارش فساد اقتصادی منذر بن جارود عبیدی<sup>۴</sup>، امام علی علیه السلام خطاب به او نوشتند: اگر آنچه از تو برایم گزارش شده درست باشد، شتر خانواده تو و بند کفشت از تو بهتر است، کسی با صفات تو شایسته آن نیست که مرزی توسط او بسته شود، یا فرمانی به دست او اجرا گردد یا مقامش بالا رود، یا در امانتی

با عنوان « شاخص های نیروی انسانی کارآمد نظام از منظر نهج البلاغه» نوشته محمد سبحانی یامچی؛ دینداری، ایمان به هدف، اخلاص در عمل، شایستگی در تخصص و تعهد، صبوری در برابر مشکلات، کاردانی، استقامت، انقلابی و ولایتمداری و مردمی بودن را ملاک های نیروی انسانی کارآمد از منظر نهج البلاغه دانسته شده است. در مقاله ای با عنوان « احمدبن اسحاق، نماینده ی ویژه ی امام حسن عسکری علیه السلام» عبدالکریم پاک نیا یکی از نیروهای انسانی کارآمد امام یازدهم را محور تحقیق قرار داده است. این مقاله ضمن معرفی احمدبن اسحاق و بیان ویژگی های ایشان، وی را فعال در پاسخ گویی به مسائل دینی مردم، روایت حدیث و رسیدگی به وجوهات شرعی شیعیان منطقه ی قم شمرده است. همچنین حسین مهرآبادی در مقاله ای با عنوان « ابراهیم فرزند امام کاظم علیه السلام فرماندار یمن» به موضوع یکی از تربیت یافتگان خاص امام کاظم علیه السلام معطوف شده است. در این مقاله امانتداری، ولایت مداری و عالم به علم حدیث جزء ویژگی های ابراهیم دانسته شده است. محقق در ادامه اوضاع سیاسی عصر ایشان را تبیین کرده و با استفاده از منابع تاریخی و روایی چگونگی فرمانداری یمن را در عصر عباسیان تشریح می نماید.

همانطور که به نزدیک ترین تحقیقات انجام شده در این موضوع اشاره شد؛ صرفا پژوهش هایی اختصاصی مربوط به دوران خاص مانند حکومت امام علی علیه السلام و محوریت نهج البلاغه مورد رصد قرار گرفته است. بر این اساس نگارنده به نگاشت مستقلی درباره مطالعه شاخص های نیروی انسانی کارآمد در سیره امامان معصوم علیهم السلام با تأکید بر سنجه های سلامت اقتصادی و سیاسی برخورد نکرده است. بنابراین این نوشتار به نوبه خود درخصوص سیره ائمه معصومین علیهم السلام بحثی قابل تامل و نوآورانه به نظر می رسد.

#### الف) شاخص سلامت اقتصادی

علی رغم اینکه در بخش زیادی از تاریخ حیات ائمه علیهم السلام به جهت محدودیت های موجود، برخی از امورات جوامع اسلامی مانند فعالیت های سیاسی و حکومتی به حداقل ممکن تقلیل یافته است؛ بخشی از فعالیت های اقتصادی امامان مانند اخذ و هزینه کرد وجوهات شرعی مومنین بصورت پیوسته با جدیت تمام انجام می پذیرفته و حتی از این جهت، مورد واکنش حکومت وقت واقع می شده اند. لذا شاخص سلامت اقتصادی نیروهای امامان همواره مورد

۱- محدودیت هایی مانند اعمال کنترل های شدید حکومت ها نسبت به شخص امامان و برخورد مستقیم با نیروهای آن بزرگواران، کمبود های شدید در کمیت و کیفیت نیروی انسانی در اختیار امامت، بسترهای فرهنگی نامناسب اجتماعی.

۲- محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق برادر زاده امام کاظم علیه السلام که به جهت ارتباط با آن حضرت نسبت به امورات مالی امام اطلاعاتی را در اختیار داشت و با افشای آن سبب بروز آسیب جدی به آن حضرت گردید. او که هفتمین امام اسماعیلیه است، در سال ۱۴۸ هجری قمری در حالی که اکثر شیعیان، امامت

۳- « ما علمت أن فی الأرض خلیفتین یجیئ إلیهما الخراج».

۴- مُنذِر بن جارود بن عمرو بن حبیب العبیدی با سابقه اینارگری در جنگ های جمل و صفین، کارگزار امام علی علیه السلام در اصطخر (یکی از نواحی فارس) بود. اما امام پس از مدتی او را برکنار کرد. او بعدها به امویان گرایش یافت و به عنوان کارگزار یزید بن معاویه از سوی عبیدالله بن زیاد در منطقه ای از هند منصوب گردید و در سال ۶۲ق در همان جا درگذشت.

هر سه نامه این است که هر نوع از فساد در مسائل اقتصادی و به هر اندازه آن، اعم از کم یا زیاد، برای کارگزار تشکیلات امامت پذیرفتنی نبوده و می بایست افراد در زمان بکارگیری و در طول خدمت از جهت شاخص سلامت اقتصادی مورد ارزیابی واقع گردند.

## ۲. امامتداری

امام هادی علیه السلام در سال ۲۳۲ هجری طی نامه ای به علی بن بلال<sup>۱</sup> یکی از وکلای جزء آن حضرت چنین نوشتند: من ابو علی بن راشد را به جای حسین بن عبد ربّه برگزیدم و او را در این مقام امین خود قرار دادم، زیرا به دیانت و امانت او که کسی در آن بر او پیشی نمی گرفت آشنا بودم. می دانم که تو شیخ منطقه خود هستی و خواستم از تو تجلیل کرده، طی نامه ای تو را خصوصاً از این موضوع آگاه سازم. پس، از ابوعلی اطلاع کن و کلیه وجوهی که پیش توست به او بسپار و دوستان ما را به اطلاعات از وی تشویق کرده و به آنها چنان آگاهی بده که این آگاهی انگیزه یاری شیعیان ما از او، و سبب کفایت او در انجام کارهایش باشد<sup>(۳)</sup>. امام دلیل انتصاب ابوعلی بن راشد به عنوان وکیل خود، برتری او در دیانت و امانت مطرح فرموده اند و در ادامه از مخاطب نامه خواسته اند که از ابوعلی اطاعت کرده و کلیه وجوهی که در اختیار دارد را به ایشان تحویل دهد؛ دانسته می شود امامتداری و شاخص سلامت اقتصادی، ملاک خاص امام برای انتخاب به عنوان وکیل بوده است. همچنین از آنجائیکه در توصیف ویژگی های وکیل مورد اشاره ذکر شده است که به "دیانت و امانت او کسی بر وی پیشی نمی گرفت"؛ این نکته نیز قابل استفاده می باشد که کلیه نیروهای موجود در آن منطقه از جهت شاخص اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و براساس همین ارزیابی های انجام یافته قبلی، برجسته ترین فرد به عنوان صاحب این جایگاه انتخاب شده است.

در همین زمینه سند دیگری در خصوص امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد که امام خطاب به عبدالله بن حمدویه<sup>۴</sup>، نامه ای

شریک شود و یا کسی از خیانت او ایمن باشد<sup>(نهیج البلاغه، نامه ۷۱)</sup>.

دوم: امام خطاب به زیاد بن ابیه<sup>۲</sup> نوشتند: به خدا سوگند می خورم، سوگندی راست؛ که اگر به من خبر رسد که در غنایم مسلمانان به اندک و یا بسیار خیانت کرده ای چنان بر تو سخت گیرم که تهیدست شوی و هزینه زندگی بردوش سنگینی کند و حقیر و فرارگردی، والسلام<sup>(نهیج البلاغه، نامه ۲۰)</sup>.

سوم: در سال ۳۸ هجری به دنبال گزارشی، امام علی علیه السلام به مصقله بن هبیرمی شبانی<sup>۵</sup> مرقوم نمودند: با خبر شدم از کاری که اگر کرده باشی، خدایت را به خشم آورده و پیشوایت را غضبناک نموده ای تو غنائم مسلمانان را که از نیزه ها و اسب های آنان گرد آمده و خونشان بر سر آن بر زمین ریخته، در میان بادیه نشینان قبیله خودت که تو را برگزیده اند تقسیم میکنی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید. اگر این خبر حقیقت داشته باشد، منزلت خود را نزد من کاسته ای و کفیه اعتبارت را سبک کرده ای<sup>(نهیج البلاغه، نامه ۴۳)</sup>.

امام در اولین نامه مذکور با صراحت تمام شخصی که فاقد سلامت اقتصادی است را واجد صلاحیت انتخاب به عنوان نیروی حاکمیتی و مدیریتی نمی داند. با عنایت به بند آخر همین نامه که امام ایمن بودن از این نوع فرد را ناشایست می شمارند، می توان دریافت که شاخص سلامت اقتصادی، ویژگی ضروری برای تمام کارگزاران نظام اسلامی می باشد. در عین حالیکه مشخص است متهم مورد عتاب امام در نامه سوم، بیت المال را برای شخص خود برنداشته بلکه در میان اطرافیان خود توزیع کرده است؛ امام وی را مستحق خشم خدا و تنزل جایگاه برمی شمارد. به نظر می رسد از آنجائیکه بروز عدم اعتماد مردم به کارگزاران نظام و تضعیف پشتوانه مردمی حکومت، نتیجه اجتناب ناپذیر و طبیعی فساد مالی آنان می باشد؛ علت اصلی تاکید بر عدم شایستگی این افراد مربوط به لزوم وجود اعتماد اجتماعی به عنوان سرمایه حکومت اسلامی می باشد. وجه مشترک

فِيمِنْ اِثْمَاكَ مِنْ اَثْرَابِ قَوْمِكَ. فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ حَقًّا لَتَجِدَنَّ لَكَ عَلَيَّ هَوَانًا وَ لَتَجْفَنَّ عِنْدِي مِيزَانًا.

۶- ابوالحسن علی بن بلال بغدادی بلالی از یاران امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام دانسته شده و از جمله وکلای جزء امام هادی علیه السلام بوده است.

۷- ابوعلی حسن بن راشد بغدادی در شمار اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام قرار داشته و کالت امام هادی علیه السلام در بغداد، مدائن و سواد، قسمتی از سرزمین عراق را عهده دار بوده است.

۸- « ثُمَّ اِنِّي اَقَمْتُ اَبَا عَلِيٍّ مَقَامَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ وَ اَتَمَمْتُهُ عَلَيَّ ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفَةِ بِمَا عِنْدَهُ الَّذِي لَا يَتَقَدَّمُهُ اَحَدٌ، وَ قَدْ اَعْلَمْتُ اَنَّكَ شَيْخٌ نَاجِحَتِكَ، فَاخْبِتْ اِفْرَادَكَ وَ اِكْرَامَكَ بِالْكِتَابِ ذَلِكَ، فَعَلَيْكَ بِالطَّاعَةِ لَهُ وَ التَّسْلِيمِ اِلَيْهِ جَمِيعَ الْحَقِّ قَبْلَكَ وَ اَنْ تَخْصَّ مَوَالِيَّ عَلَيَّ ذَلِكَ، وَ تُعَرِّفَهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا يَصِيرُ سَبَبًا اِلَيَّ عَوْنِهِ وَ كِفَايَتِهِ.»

۹- عبدالله بن حمدویه بیهقی از جمله یاران امام حسن عسکری علیه السلام دانسته شده، که متوفی حدود سال ۲۷۵ قمری می باشد.

۱- « لَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلُ اَهْلِكَ وَ شَيْخٌ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِالْهَلْهِلِ اَنْ يُسَدَّ بِهِ نَعْرًا اَوْ يُنْفَذَ بِهِ اَمْرًا اَوْ يُعْلَى لَهُ قَدْرًا اَوْ يَشْرَكَ فِي اَمَانَةٍ اَوْ يُؤْمَنَ عَلَيَّ جِبَابَةً.»

۲- زیاد بن ابیه که فردی ادیب و باهوش بود، به پیشنهاد ابن عباس، از جانب امام علی علیه السلام برای مدیریت یک شورش به فارس اعزام شد و پس از آن موفقیت، به عنوان کارگزار اصطرخ فارس منصوب شده و در جنگ صفین نیز حضور موثری داشت. او در سال ۴۵ قمری از طرف معاویه، به امارت بصره گماشته شده و در سال ۴۸ با حفظ سمت، امارت کوفه نیز به زیاد سپرده شد.

۳- « اِنِّي اَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِنْ بَلَغَنِي اَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا اَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظُّهْرِ، ضَعِيلَ الْاُمْرِ، وَ السَّامِ.»

۴- کارگزار امام در اردشیر خُرّه (فیروز آباد کنونی).

۵- « بَلَغَنِي عَنْكَ اَمْرٌ اِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ اَسْخَطْتَ اِلَهَكَ وَ عَصَيْتَ اِمَامَكَ، اَنَّكَ تَقْسِمُ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَارَتْهُ رِمَاحُهُمْ وَ حُوِلَتْهُمْ وَ اَرِيقَتْ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ»

این فرقه، عامل برجسته ای که در منابع رجالی به آن بر می خوریم، انگیزه های مادی و مالی است. از آنجائیکه یکی از کارکردهای مهم نظام وکالت، اخذ وجوهات شرعی مردم و فرستادن آن به امام وقت بود؛ طبق گزارش ها در زمان شهادت امام هفتم، نزد وکلای آن حضرت مبالغ زیادی از این وجوهات جمع شده بود که بنا به گفته منابع، چشم داشت برخی از وکلا به این اموال سبب انکار شهادت امام کاظم علیه السلام از سوی آنان شد (۸، ۹). بطوریکه بنیانگذاران و سران اولیه وقف، سه وکیل به نام های علی بن ابی حمزه بطلائی، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی بودند (۱۰). که نزد دو تن از آنان در حدود صد هزار دینار جمع شده بود (۱۱). آنان برای اینکه این اموال را به جانشین امام کاظم علیه السلام تحویل ندهند، منکر رحلت ایشان شدند. زمانی که با پاسخ های محکم امام رضا علیه السلام متقاعد می شدند، باز هم از دادن اموال به آن حضرت امتناع می کردند. چنان که وقتی امام هشتم دستور ارسال اموال و کنیزان در اختیار را به آنان داد؛ ابن ابی حمزه و زیاد قندی قضیه را انکار کرده و به اموالی که نزدشان بوده، اقرار نکردند (۱۰). عثمان بن عیسی نیز از انجام فرمان، سرباز زد و زنده بودن پدر امام را بهانه و دلیل خود خواند، و در پاسخ امام نوشت: اگر پدرت وفات نیافته، از این اموال چیزی به تو نمی رسد؛ و اگر هم بنابر آنچه می گویی، وفات یافته است، مرا امر نکرده که چیزی به تو بدهم و کنیزان را آزاد کرده و آنها را شوهر داده ام (۱۲، ۱۳). به نظر می رسد این اسناد گویای وجود ضعف شاخص سلامت اقتصادی تعدادی از نیروهای امامان و اهمیت این ویژگی می باشد. با تامل بر این واقعه، روشن است که دنیاگرایی این سه نیرو موجب شد که حتی عده ای از بزرگان اصحاب امام کاظم علیه السلام به مسیر انحراف رفته و انشاقی بزرگ در جامعه شیعه ایجاد گردد.

#### ۵. مردمی بودن

با توجه به سیره امام علی علیه السلام، به نظر می رسد شاخص اقتصادی برای کارگزاران نظام اسلامی دارای چهارچوب هایی بسیار دقیق می باشد، که نیروی انسانی علاوه بر لزوم دوری از اموال حرام حتی در استفاده از اموال مشروعی که به دست می آورد، می بایست سبک زندگی اقتصادی خود را با رعایت برخی از ملاحظات مانند وضعیت معیشتی مردم تنظیم نماید. چنانچه امام علی علیه السلام به یکی از یاران خود به نام علاء بن زیاد حارثی که خانه مجلی در بصره داشت، واکنش نشان داده و فرمود: با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی؟! در حالیکه در آخرت به آن نیازمندتری<sup>۴</sup> (۱۴، ۱۵). همین شیوه برخورد را از طرف امام در مورد شریح بن حارث<sup>۵</sup>،

۴- « مَا كُنْتَ تَصْنَعُ [بِسَعَةِ] بَيْعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا [أَمَا] وَأَنْتَ إِثْبَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ ».

۵- شریح بن حارث کندی مشهور به شریح قاضی از چهره های اجتماعی و تا حدی سیاسی صدر اسلام بود، که با حکم عمر بن خطاب قاضی کوفه شده و این قضاوت در زمان حکومت امام علی علیه السلام نیز ادامه داشت.

مرفوم نموده و ضمن آن فرموده اند: ابراهیم بن عبده<sup>۱</sup> را بر شما نصب کردم؛ تا اهالی آن نواحی و ناحیه شما، حقوق واجب ما را به او بپردازند. من او را امین خود برای دوستانم در آن نواحی قرار دادم، تقوا پیشه کنید و مراقب باشید که حقوق را ادا کنید که در ترک و یا تاخیر آن عذری نیست (۴). در این نقل انتخاب یک نیرو به عنوان وکیل، براساس ویژگی امین بودن آن و صدور دستور پرداخت مبالغ مالی به او، اهمیت امانتداری به عنوان یکی از وجوه شاخص سلامت اقتصادی را بصورت آشکارا نشان می دهد. بدیهی است با وجود همین شاخص امانتداری در کارگزاران امامان شیعه علیهم السلام، یکی از زمینه های اعتماد اجتماعی لازم برای کارآمدی تشکیلات امامت حاصل می شده است.

#### ۳. استغناء

یکی از زمینه های سلامت اقتصادی برای نیروی انسانی، تامین نیازهای اولیه نیرو از طریق صحیح می باشد که در سیره امامان شیعه شاهد اهتمام امامت به این مهم هستیم. همانطور که در خصوص دیدار امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد در واقعه کربلا، نقل شده است؛ زمانیکه عمر بن سعد علت اصرار بر مواجهه با امام را نگرانی از مال و اموال خود برشمرد، آن حضرت تامین خانه و املاک لازم برای او را تضمین نمودند<sup>۵</sup> (۵، ۶). دانسته می شود که تامین نیازهای اولیه افراد برای جذب و حفظ سلامت اقتصادی در تشکیلات امامت، موضوعی بدیهی بوده است. همچنین امام سجاد علیه السلام تعداد زیادی برده را خریداری و در حدود یک سال بعد، آنها را آزاد می نموده اند. همچنین در زمان آزادی اموالی را نیز در اختیار آنها می گذاشته اند<sup>۷</sup>. در این فرآیند تربیت نیروی انسانی کارآمد توسط امام سجاد علیه السلام می بینیم که امام در زمان آزادی بردگان یا همان انتشار نیروها در میان مردم و شروع عملکرد، به وضعیت مالی آنان نیز عنایت دارند. لذا می توانیم این امر را دریابیم که امام با این اقدام، شاخص سلامت اقتصادی را در نیروهای خود پیش بینی می نموده اند. در این شکل از توجه به شاخص سلامت اقتصادی، نیروهای جدید ورود به شبکه امامت و مبلغان دینی نامحسوس در جامعه، نیازهای اولیه مالی خود را با کمک و مساعدت های امام رفع کرده و در نتیجه پیشگیری عملی ممکن از انحراف های احتمالی مالی، محقق می شده است.

#### ۴. اجتناب از دنیاگرایی

از جمله شواهد تاریخی در خصوص اهمیت این شاخص، می توان به مسئله "واقفیه" پرداخت. در مورد پیدایش واقفیه و انحراف سران

۱- ابراهیم بن عبده از یاران امام هادی علیه السلام و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در نیشابور بوده است.

۲- « قَالَ عُمَرُ: إِذْنٌ تَهْدِمُ دَارِي، قَالَ: أَنَا أَبْنِيهَا لَكَ، قَالَ: إِذْنٌ تَوْخَذَ ضِيَاعِي، قَالَ: إِذْنٌ أَعْطَيْكَ خَيْرًا مِنْهَا مِنْ مَالِي بِالْحِجَازِ ».

۳- « ان لم يكن ابوك مات فليس لك من ذلك شيء وان كان قد مات علي ما تحكي فلم يامرني بدفع شيء اليك وقد اعتقت الجواري وتزوجتهن ».

می دهی؛ صفوان گفت: من شترهایم را برای لِهو، صید و امثال آن به او کرایه نمی دهم، بلکه تنها برای سفر حج این کار انجام می دهم. در این کار هم او خودش مباشرتی ندارد بلکه دیگران را برای آن اجیر می کند. امام فرمود: آیا آنان باید کرایه تو را بپردازند؟ صفوان گفت: آری. امام فرمود: آیا دوست داری آنها تا انقضای مدت کرایه و پس دادن شترانت زنده بمانند؟ صفوان پاسخ داد: آری، امام ادامه داد هر کسی بخواهد آنها زنده بمانند، در صف آنان قرار می گیرد، و هر کسی که از آنها باشد، داخل جهنم می شود. ظاهر عمل هارون، انجام فریضه حج است و این جریانی است که به دنبال حفظ ظواهر دینی توسط خلیفه عباسی انجام می گیرد، اما در حقیقت انحراف جامعه از مسیر هدایت امامت است. لذا جریان شناسی به معنای بصیرت؛ یک مطالبه مشخص از سوی امام نسبت به نیروی انسانی آن حضرت دانسته می شود. همچنین در فراز پایانی این نقل می بینیم که صف بندی میان حق و باطل به صورت صریح مورد اشاره قرار گرفته است؛ همانجا که امام فرمودند: "هر کس بخواهد آنها زنده بمانند، در صف آنان قرار می گیرد." در صورت دارا بودن این بصیرت است، که نیروی انسانی می تواند یاریگر شبکه امامت محسوب شده و کارکرد مطلوبی را در این مسیر داشته باشد.

در دوره نخست عباسی که بروز شبهات دینی متعدد توأم با خفگان و فضای بسته فکری و سیاسی نشأت گرفته از دستگاه خلافت، شرایط خاصی را ایجاد کرده بود، شاخص بصیرت؛ اهمیتی دو چندان داشته است. چنان که نقل شده است عبدالله بن موسی بن جعفر، از جمله فرزندان امام کاظم علیه السلام به عنوان یکی از پیروان امام در مدینه اقامت داشت. ابن ابی دواد عالم معروف بغداد و حامی مامون و نظریه خلق قرآن؛ در این خصوص برای عبدالله نامه ای چالشی نوشت و او با ذکاوتی تمام پاسخ داد: خداوند، ما و شما را از فتنه حفظ کند. باور من این است که سخن گفتن درباره قرآن [این که خلق شده یا قدیم است] بدعت است و سائل و مجیب در این باره مساوی هستند... خالق هم تنها خداوند و مابقی همه مخلوق است و قرآن هم کلام خداست (۱۶). در پاسخ تربیت شده امام علیه السلام می بینیم که، در عین حالیکه بر اساس مبانی شیعی بوده است، ولی شرایط سیاسی موجود نیز کاملاً مورد ملاحظه قرار گرفته است. این درک شرایط، ضمن اینکه موجب حفظ منابع نیروی انسانی تشکیلات امامت بوده، باعث تعمیق اثرگذاری وجود آنها در جامعه می گردیده است.

از مکان قبر امام علی علیه السلام که در آن زمان مخفی بود، خبر داشت (ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ۸۵).

۳- «یا صفوان کُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَبِيلٌ مَا خَلَّا شَيْئاً وَاحِداً قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْءٍ قَالَ إِكْرَاؤُكَ جِمَالِكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ يَعْنِي هَارُونَ قُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشْرَأَ وَلَا بَطْرَأَ وَلَا لَيْبِدَ وَلَا لِهَوِيَّ، وَ لَكِنِّي أَكْرَيْتُهُ لِهَذَا الطَّرِيقِ يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ، وَ لَا أَمَوْلَاهُ بِنَفْسِي وَ لَكِنِّي أَنْصَبُ مَعَهُ غَلْمَانِي، فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ أَيْتَعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ قُلْتُ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَقَالَ لِي: أَلْتَجِبُ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ قُلْتُ نَعَمْ، قَالَ: فَمَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهِيَ مِنْهُمْ وَ مَنْ كَانَتْ مِنْهُمْ كَانَتْ النَّارُ.»

قاضی شهر کوفه نیز شاهد هستیم. چنانچه نقل شده است: شریح در زمان خلافت امام علی علیه السلام خانه ای برای خود به قیمت ۸۰ دینار خرید و آن را قبالة خود کرد. وقتی این موضوع به خدمت امام گزارش شد، آن حضرت او را احضار کرده و صحت گزارش را جویا شد. با تایید شریح قاضی، امام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود: ای شریح به زودی کسی [عزائیل] به سوی تو می آید که نه به قبالة ات می نگرند و نه به امضای آن گواهان توجه می نماید، تو را از آن خارج می کند و تنها تو را در گودال قبر می گذارد؛ ای شریح میباید این خانه را از مال دیگران خریده باشی و بهای آن را از راه حرام به دست آورده باشی. در این صورت دنیا و آخرت خود را تباہ ساخته ای. این را بدان که اگر هنگام خریداری خانه نزد من آمده بودی، قبالة ای برایت می نوشتم که حتی با توجه به آن، به خریدن خانه ای به قیمت یک درهم یا بیشتر علاقه نشان نمی دادی! به نظر می رسد طبق سیره امام علی علیه السلام در زمانی که در نظام اسلامی بخشی از مردم دارای مشکلات اقتصادی هستند، کارگزاران حکومتی می بایست، ضمن اجتناب جدی از اموال حرام و شبهه آلود، سبک زندگی اقتصادی شخصی خود را در حد معمول جامعه تنظیم کرده باشند.

#### ب) شاخص های سیاسی

از آنجائیکه به نظر می رسد در اندیشه امامان شیعه علیهم السلام سیاست به معنای جریان و مسیر حاکم بر جامعه بوده است؛ شناخت این موضوع ها که چه کسی مردم را به کدام مسیر راهبری می کند، آیا حرکت عمومی را به سمت اهداف اسلامی هدایت می کند یا نه؟! شاخصی مهم برای احراز صلاحیت نیروی انسانی کارآمد دانسته می شود. در اینجا با بررسی دو موضوع بصیرت و اثرگذاری سیاسی این شاخص را مورد کنکاش قرار می دهیم.

#### ۱. بصیرت

اولین شناختی که در این موضوع، مورد بحث است؛ "شناخت عمق شرایط سیاسی موجود" بوده و چه بسا شناختی که یک نیروی انسانی از مسائل جاری دارد، تناقض کامل با ظاهر فعالیت های انجام شده داشته باشد. همانطور که امام کاظم علیه السلام خطاب به صفوان جمال<sup>۲</sup> فرمودند: ای صفوان، همه کارهای تو نیکو و زیباست، جزه یک کار؛ صفوان پرسید: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن چیست؟ امام فرمود: اینکه شترهایت را به هارون کرایه

۱- «یا شُرَيْحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَلَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَيُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا فَانظُرْ يَا شُرَيْحُ لَا تَكُونَ ابْتِغَتْ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ التَّمَنُّ مِنْ غَيْرِ خَلَاكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكِنِّي لَكِنِّي كِتَابًا عَلَى هَذِهِ النُّسْخَةِ فَلَمْ تَرْتَعِْبْ فِي شِرَائِ هَذِهِ الدَّارِ بَدْرَهُمْ.»

۲- صفوان بن مهران بن مغیره اسدی کاملی معروف به صفوان جمال، از یاران خاص امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود. صفوان بارها امام صادق علیه السلام را از مدینه به کوفه آورد و با آن حضرت به زیارت امیرالمؤمنین رفت و

زندانی شدن آن حضرت نقص در رعایت امر تقیه توسط هشام بن حکم بوده است.

با توجه به دو نقل اخیر به وضوح شاهد اهمیت مسئله شناخت عمیق شرایط سیاسی آن عصر برای نیروهای انسانی امامان هستیم، چراکه مسئله رازداری و حفظ اسرار به عنوان یکی از نتایج مستقیم ویژگی بصیرت دانسته می شود.

## ۲. اثرگذاری سیاسی

در اینجا منظور از اثرگذاری سیاسی، آن ویژگی است که برخی از یاران امامان شیعه علیهم السلام در دستگاه حاکم بر مردم دارای نفوذ بوده یا در میان اجتماع منشاء اثرات عمومی ممتد بوده اند. اثرگذاری مثبت نیروی انسانی در قسم اول که بر سیستم حکومتی اعمال می شود، اعم از نظام صالح مانند حکومت امام علی علیه السلام و نظام غیر از امامت مانند خلافت عباسی دانسته می شود. شاخص اثرگذاری سیاسی نیروی انسانی دارای چنان اهمیتی است که خداوند متعال در قرآن کریم به این موضوع اشاره نموده است. چنان که به نقل از حضرت موسی علیه السلام در زمان آغاز رسالت خود مطرح شده است: وزیري از خاندانم برایم معین کن؛ برادرم هارون را و به وسیله آن پشتم را محکم نما و او را در کار من شریک گردان (طه، ۳۲-۲۹).

نقل شده است که علی بن یقین<sup>۷</sup> که از جمله یاران خاص امام کاظم علیه السلام بود؛ در دوره حکومت مهدی و هارون در دستگاه خلافت عباسی دارای جایگاه و نفوذ زیادی بود. زمانی که او از امام خواست اجازه دهد تا خدمت دستگاه خلافت را ترک کند، امام از دادن چنین اجازه ای خودداری نموده و فرمودند: ای علی بن یقین؛ خدا را دوستانی در صفوف دوستان ستمکاران هست که به وسیله آنان از دوستانش دفع شر می کند و تو از آنها هستی<sup>۸</sup>. در نقل دیگری امام در همین موضوع فرمودند: خدا را در کنار هر طغیانگری، یارانی هست که به وسیله آنان بلاها را از دوستانش دفع می نماید<sup>۹</sup>. از آنجائیکه استقرار علی بن یقین در درون دستگاه خلافت، زمینه ساز اثر بخشی این نیروی انسانی در چگونگی عملکرد نظام حکومتی بوده، لذا امام حضور ایشان را در آن جایگاه مورد تأیید و تأکید قرار داده اند.

یکی از مصادیق شرایط سیاسی که شناخت آن برای نیروهای انسانی امامان شیعه علیهم السلام مورد تأکید واقع شده و اسناد آن در دست است، موضوع شناخت جریان های عمومی مردم یا به عبارتی درک رویکردهای اجتماعی می باشد. چنانچه نقل شده است، امام حسن علیه السلام در خصوص پذیرش صلح در جمعی از یاران خود فرمودند: اهل عراق مردمانی هستند که هر کسی به آنها اعتماد کند مغلوب خواهد شد؛ زیرا هیچ کدام با دیگری در فکر و خواسته ها موافقت ندارند، آنان نه در خیر و نه شر، هیچ قصد جدی ندارند<sup>۱۰</sup>. امام در این بیان به تبیین شرایط اجتماعی-سیاسی سرزمین عراق به نیروهای خود پرداخته و به نظر می رسد انتظار امام از یاران خود، داشتن شناخت این شرایط بوده است.

دوره بعد از واقعه عاشورای حسینی دارای شرایط سیاسی خاصی بوده و یکی از جلوه های شناخت آن شرایط، مسئله رازداری و سکوت بوده است. اسناد متعددی در تاریخ ثبت شده است که گویای اهمیت این جنبه از شاخص بصیرت است که به دو نمونه آن می پردازیم:

اول: امام صادق علیه السلام به مُعَلَّى بن خُنَيس فرموده بودند: ای معلی، اسرار ما را پنهان مدار و آن را به همه کس نگو، خداوند کسی را که اسرار ما را پنهان داشته و آن را بر ملا نسازد، در دنیا عزیز می دارد<sup>۱۱</sup> (۱۷).

دوم: نقل شده است که هشام بن حکم<sup>۱۲</sup> از جمله نیروهای امام کاظم علیه السلام، از طرف امام امر به سکوت شده بود، ولی طولی نکشید که سکوت را شکست و عبدالرحمن بن حجاج یکی دیگر از یاران امام در این باره او را مورد توبیخ قرار داد و گفت: چرا سکوت خود را شکستی...، از قول امام به او گفت: آیا شرکت در خون مسلمانی، تو را خوشحال می کند؟ هشام گفت: نه؛ عبدالرحمن ادامه داد: پس چرا در مباحثات شرکت می کنی؟! اگر ساکت شدی که هیچ و گرنه سر امام علیه السلام را به تیغ جلاد خواهی سپرد. در پایان نقل آمده: هشام سکوت را مراعات نکرد تا اینکه آنچه نباید می شد، اتفاق افتاد<sup>۱۳</sup> (۱۸، ۱۹). چنانچه از تاریخ برمی آید یکی از دلایل تشدید محدودیت های امام کاظم علیه السلام از طرف دستگاه خلافت و

۵- « يا هِشَامُ قَالَ لَكَ أَيُّسْرُكَ أَنْ تَشْرُكَ فِي دِمِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ قَالَ لَا، قَالَ وَكَيْفَ تَشْرُكَ فِي دِمِّي فَإِنْ سَكَتَ وَإِلَّا فَهَوَّ الذُّبْحُ فَمَا سَكَتَ حَتَّى كَانَ مِنْ أُمَّرِهِ مَا كَانَ.»

۶- « وَأَجْعَلُ لِي وَرَيْرًا مِنْ أَهْلِي (۲۹) هَارُونَ أَخِي (۳۰) اشْدُدْ بِهِ أُرْزِي (۳۱) وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي (۳۲) »

۷- علی بن یقین بن موسی بغدادی (۱۲۴ق-۱۸۲ق)، از جمله یاران خاص امام صادق و امام کاظم علیهما السلام شناخته شده که در حکومت عباسی دارای مناصب والایی بوده است.

۸- « يَا عَلِيُّ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْلِيَاءَ مَعَ أَوْلِيَاءِ الظَّالِمَةِ لِيَدْفَعَهُنَّ عَنْ أَوْلِيَائِهِ، وَأَنْتَ مِنْهُمْ يَا عَلِيُّ.»

۹- « إِنَّ لِلَّهِ مَعَ كُلِّ طَائِفَةٍ وَرِيرًا مِنْ أَوْلِيَائِهِ يَدْفَعُ بِهِ عَنْهُمْ.»

۱- « أهل الكوفة قوما لا يثق بهم أحد أبدا إلا غلب ليس أحد منهم يوافق في رأي ولا هواء مختلفين لا نية لهم في خير ولا شر.»

۲- ابو عبدالله معلی بن خنيس بزاز کوفی، از جمله یاران و وکیل مالی امام صادق علیه السلام دانسته شده است. به گفته آیت الله خویی، معلی ۸۰ روایت نقل کرده، که بیشتر روایات او بی واسطه از امام ششم نقل شده است و روایاتی چون این مسکان از اصحاب اجماع از او روایت کرده اند (خویی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۶/۱۹). او سرانجام به دست شرطه های حکومت کشته شد (طوسی، ۱۳۴۸ش: ۳۷۶/۱).

۳- « يَا مَعْلَى أَكْرَمْنَا وَلَا تَدْعُهُ فَإِنَّهُ مِنْ كَرَمِ أَمْرِنَا وَلَا يَدْبِعُهُ أَعْرَهُ [اللَّهُ] فِي الدُّنْيَا.»

۴- هشام بن حکم از یاران امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده که بسیاری از دانشمندان شیعه و برخی از اهل سنت نیز او را به لحاظ علمی ستوده اند. هشام در فن مناظره چیره دست بوده و با بزرگانی از معتزله مناظره کرده است.

معارف دین را کسب کرده و کتاب الخطب را به نگارش در آورده است؛ با عنوان شیخ القمیین و رابط مردم آنجا با سلاطین یاد شده است (۲۱). با ملاحظه این سند، این نکته به نظر می رسد که برخی از نیروهای امامان علی رغم اینکه بصورت رسمی داخل در حکومت نبوده اند ولی به جهت دارا بودن ارتباطات عمومی مابین مردم و حکومت، منشاء اثر سیاسی بوده اند.

یکی از جلوه های شاخص اثر گذاری سیاسی، نمایان کردن جایگاه والای علمی و قدرت امامان، در حل مسائل لاینحل حکومتی دیده می شود. همانطور که در مورد امام علی علیه السلام به عنوان الگوی تمام نیروهای انسانی امامان گزارش شده است؛ در دوره فتوحات و در زمان فتح شوش وقتی ابوموسی اشعری به جنازه دانیال نبی برخورد، از خلیفه کسب تکلیف کرد؛ وقتی دومین خلیفه مسلمانان نتوانست از یاران خود مشورت مفیدی بگیرد. نظر امام علی علیه السلام را جویا شد. آن حضرت ضمن شرح زندگی دانیال نبی، به خلیفه فرمود: بهتر است به ابوموسی بنویسد تا جنازه را از آن موضع بردارد، ضمن اقامه نماز، آن را در محلی که قابل دسترسی توسط مردم شوش نباشد، دفن نماید. لذا طبق صلاحدید امام، آب رودخانه شوش را بصورت موقت بسته و پیکر دانیال نبی را در کف مسیر رودخانه دفن نمودند. می بینیم که امام با استفاده از آگاهی و توانمندی هایی که دارد، برای چالشی که حکومت در گیر آن شده است راهکار منطقی و مقبولی را ارائه می کند و ضمن اینکه مسئله ای لاینحل حل می شود؛ نمودی از برتری و شایستگی مقام امام نسبت به سایر مدعیان حکومت برای اهل فهم، آشکار می شود. لذا به نظر می رسد، این اثر گذاری سیاسی، تأثیری است که نه فقط در آن مقطع تاریخ اسلام بوده، بلکه اثری است که در تاریخ بشریت ماندگار شده است.

از آنجائیکه فرض اولیه این شاخص، تطابق اثر مد نظر با موازین اسلامی بوده است؛ لذا تا کنون اثر گذاری های مثبت نیروهای انسانی، مطرح و بررسی شد. اما شایسته به نظر می رسد به یک نمونه تاریخی از عکس این شاخص نیز پرداخته شود که می توان به دوره حکومت امام علی علیه السلام اشاره نمود. همانطور که نقل شده است: در زمان آغاز حکومت آن حضرت، تصمیم به عزل معاویه، که در شام حکمرانی می کرد اتخاذ شد. در این زمان مغیره بن شعبه<sup>۴</sup> از امام خواست تا زمان تثبیت اوضاع برای عزل معاویه دست نگه دارد. اما امام با اشاره به تاکید خداوند متعال در قرآن کریم برای اجتناب از انتخاب گمراه کنندگان به عنوان دستیار<sup>۵</sup>؛ از قبول این

حسن بن علی و شاء<sup>۱</sup> نقل کرده است: عباس بن جعفر بن محمد بن اشعث که از جمله شخصیت های خاندان اشعث<sup>۲</sup> بود از او خواسته است که از امام رضا علیه السلام بپرسد؛ آیا اجازه می دهند او نامه های آن حضرت را پس از خواندن از بین ببرد؟! زیرا ترس آن است که این نامه ها در دست دیگران افتد. امام نیز در پاسخ ایشان به این امر اجازه فرمودند. بدیهی است انجام مکاتبات مداوم امام با افرادی که در خدمت دستگاه خلافت عباسی هستند، علی رغم موجه نبودن کلیت حکومت، مهر تائیدی به کارآمدی و تأثیر گذاری سیاسی آن اشخاص به عنوان نیروی انسانی تشکیلات امامت دانسته می شود. مشابه سند اخیر گزارشی در خصوص یاران امام هادی علیه السلام نیز وجود دارد، چنانچه نقل شده است برخی از یاران امام هادی که به دستور آن حضرت در درون دستگاه خلافت عباسی بوده اند، عملکردی بسیار مخفیانه داشته اند، چرا که اگر ماموران حکومت از مذهب و روابط آنان با امام مطلع می شدند. آنها را تحت فشارهای شدید قرار داده، مقرری شان قطع شده و از حکومت طرد می شدند. به نظرمی رسد خود این واکنش های جدی حکومت نیز، نشانه ای بر وجود ویژگی اثر گذاری سیاسی نیروهای انسانی امامان بوده است. که حاکمان به جهت خوف از این اثر گذاری، چنان مجازات هایی را اعمال می نموده اند.

ابوالفرج اصفهانی به نقل از یحیی بن حسن علوی، احمد بن عبیدالله بن عمار و علی بن سلیمان نوفلی شیعی می نویسد که هارون فرزندش محمدامین را برای تربیت به دست محمد بن جعفر بن اشعث سپرد. یحیی برمکی وزیر هارون از ترس اینکه در آینده محمدامین سبب بر انداختن تسلط خاندان او شود، برنامه ای تدارک دید تا دیدگاه هارون را نسبت به محمد بن جعفر بن اشعث تخریب کند. برای این امر جاسوسانی معین شده و اطلاعاتی به وی رساندند، در نتیجه این تلاشها هارون نسبت به محمد بن جعفر بن اشعث بدبین و بی اعتماد شد (۲۰). البته از آنجائیکه توطئه یحیی برمکی در خصوص افشای موضوع ارسال خمس اموال به امام کاظم علیه السلام توسط این نیروی امام ختنی شد، محمد بن جعفر بن اشعث توانست مجدداً اعتماد خلیفه را نسبت به خود جلب نماید. به عبارتی به اساس اعتماد هارون به این نیروی امام علیه السلام در قامت معلم فرزند خود، ویژگی اثر گذاری سیاسی حاصل شده است. در منابع تاریخ اسلام محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری با دارندگی شاخص اثر گذاری سیاسی به عنوان یکی از پیروان امام رضا علیه السلام معرفی شده است. چنانچه او در عین حالیکه نزد امام هشتم و فرزند آن حضرت

۱- حسن بن علی بن زیاد و شاء، بجلی خزاز کوفی، از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام هادی علیهم السلام و در دستگاه خلافت عباسی دارای نفوذ و اثر گذاری بود.

۲- خاندان اشعث این قیس کنندی یکی از خاندان های اشرافی عرب است؛ که سابقه حکومتی داشته و سعی در احیا، عظمت گذشته خود نمودند. این خاندان نسب خود را به حارث پادشاه مشهور کنده در قرن ششم میلادی می رساند.

۳- محمد بن جعفر بن اشعث از جمله افراد نزدیک به امام کاظم علیه السلام دانسته شده است.

۴- مغیره بن شعبه از قبیله ثقیف بود و در سال پنجم هجرت اسلام آورد. مغیره در برخی از جنگ های زمان خلفا از جمله فتح شام و عراق شرکت داشت. او از سوی خلیفه دوم به حکومت بحرین، بصره و کوفه گمارده شد و در زمان خلیفه سوم به فرمانداری آذربایجان و ارمنستان منصوب شد.

۵- « مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا » من آن نیستیم که گمراه گران را همکار خود بگیریم (کف، ۵۱).

knowledge of men, Mashhad, University of Mashhad, 1348

4. Ibn Athir, Abu al-Hasan Ali ibn Abi al-Karam Ezz al-Din, al-Kamal fi al-Tarikh, Beirut, Dar Sadr, 1385 A.H.

5. Tabari, Muhammad bin Jarir bin Yazid, Tarikh al-Tabari (History of the Prophets and the Prophets), Beirut, Al-Alami Institute, 1983.

6. Ibn Atham, Ahmad Ibn Atham Ibn Nazir Ibn Habab Ibn Ka'b Azdi Kufi, Al-Futuh, Beirut, Darul Kitab Al-Ulamiya, 1406 AH

7. Amin, Seyyed Mohsen (research of Hassan Amin), Ayan Shi'a, Beirut, Dar Taqqin for the Press, 1403 AH

8. Ibn Baboyeh, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Musa (Sheikh Sadouq), Ayoun Akhbar al-Reza, peace be upon him, Tehran, Jahan, Bita

9. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan, Al-Wari Media by Alam Al-Hadi, Tehran, Darlaktab al-Islamiya, 1390 A.H.

10. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Ghaibah, Qom, Islamic Encyclopaedia Foundation, 1425 A.H

11. Ibn Baboyeh Qomi, Ali Ibn Hossein, al-Umamah and al-Tabsara Man al-Hira, Qom, Imam Mahdi (a.s.) School, Bita

12. Ibn Baboyeh, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Musa (Sheikh Sadouq), Amali Sheikh Sadouq, Beirut, Alami, 1980

13. Ibn Baboyeh, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Musa (Sheikh Sadouq), The Reasons of the Laws, Najaf, Al-Haydariyeh Library, 1385 AH

14. Ibn Juzi, Yusuf Ibn Ghazaughli, Taqirta Al-Khawas Min Umma Bakhri Khaysat Al-Imam, Qom, Al-Sharif Al-Radi, 1418 A.H.

15. Ibn Abd Rabbah, Shahab al-Din Abu Amr Ahmad bin Muhammad, Aqd al-Farid, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, 1384 A.H.

16. Khatib al-Baghdadi, Ahmed bin Ali, History of Baghdad, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya, 1417 AH

تدبیر امتناع نمودند. با توجه به اوضاع حساس مقطع آغاز حکومت امام و از طرفی توانمندی های قابل توجه معاویه می بینیم که امام بر خلاف پیشنهاد ابقاء موقت معاویه عمل می نمایند و علت این تصمیم، بصورت جدی به ویژگی اثرگذاری سیاسی سوء معاویه مربوطه می شود. همانطور که به نهی قرآن کریم بر عدم پذیرش نیروی انسانی گمراه کننده اشاره شده است، این طور دریافت می شود که ویژگی اصلی معاویه در رد صلاحیت برای ابقاء در حکومت، ویژگی سوء اثر سیاسی بوده است.

#### نتیجه گیری

امامان معصوم علیهم السلام در خصوص انتخاب نیروی انسانی علی رغم اهتمام به وسعت دایره انتخاب از طبقات و گروه های مختلف جامعه، در آن زمان مقید بر طبقه بندی افراد جامعه؛ دارای ملاک های متعدد و مشخص بوده در حین بکارگیری نیروها، حساسیت ویژه ای بر پایداری سنجه های مورد نظر داشته اند. با عنایت به اثرگذاری مستقیم شاخص های سلامت اقتصادی و سیاسی بر کارآمدی نیروهای انسانی تشکیلات امامت؛ حصول اطمینان از وجود این دو شاخص، همواره مورد تأکید بوده است. اسناد تاریخی گویای این است که؛ در عین حالیکه افراد بسیار متنوعی از حیث شخصیتی، خاندانی، دارایی مالی و ... به عنوان کارگزاران امامان جذب و مورد توجه بوده اند، ولی وجود اهلیت و شایستگی از جهت سلامت اقتصادی و سیاسی هیچ گاه مورد اغماض و چشم پوشی واقع نگردیده است.

با بررسی تحلیلی قول، فعل و تقریر امامان معصوم علیهم السلام دانسته می شود، کارگزار جامعه اسلامی برای احراز صلاحیت خدمتگزاری به مردم و زمینه سازی سعادت و سیادت آنان، می بایست دارای ویژگی های سلامت اقتصادی و سیاسی در کنار سایر ملاک ها باشند. در کنکاش چگونگی ضرورت این ویژگی ها فساد ستیزی، امانت داری، استغناء از ضروریات اولیه زندگی، اجتناب از دنیاگرایی، مردمی بودن، داشتن شناخت عمیق از شرایط سیاسی و اثرگذاری مثبت سیاسی به عنوان مصادیق سلامت اقتصادی و سیاسی به دست آمده است.

#### References

The Holy Quran

1. Ibn Shahr Ashub, Muhammad Bin Ali, Manaqib Al Abi Talib, Qom, Islamic Publishing Institute, 1411 A.H.
2. Bukhari, Abi Nasr Sahl bin Abdullah (Mahdi al-Arjani's research), Sarl-Salsla al-Alawiyya fi Ansab al-Sadah al-Alawiyya, Qom, School of Samaha Ayatollah al-Marashi al-Najafi, 1432 A.H.
3. Tousi, Mohammad bin Hassan (Hasan Mostafavi's research), the option of

17. Safar Qomi, Abu Ja'afar Muhammad bin Hasan bin Farrukh Safar (by the effort of Haj Mirza Mohsen Kuche Baghi Tabrizi), Basa'er al-Darjat al-Kubri fi Faza'el al-e Muhammad, Qom, Al-Marashi School, 1404 A.H.
18. Mamqani, Abdullah (Research of Mohammad Reza and Mohiuddin Mamqani), Revision of Al-Maqal fi ilm al-Rajal, Qom, Al-Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage, 1431 A.H.
19. Manqari, Nasr bin Muzahm (Research of Abdus Salam Harun), Safin Waqah, Qom, School of Ayatollah al-Marashi al-Najafi, 1404 A.H.
20. Esfahani, Abul Faraj, Muqatil al-Talbin, Najaf, al-Matabah al-Haydriya, 1965.
21. Najashi, Abul al-Abbas (edited by Ayatollah Zanjani), Rizal Najashi, Qom, Al-Nasr al-Islami Institute, 1416 AH